



فقه ۹

کرایش فقه و اصول

درس ۵۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین عظیمی

آموزشیار: آقای صبائی

مقدمه

مطالبی که در این درس به آنها پرداخته خواهد شد عبارتند از:

۱. بیان سه دلیل قائلین به جواز بیع غیرروغن از متنجسات
۲. بیان سه دلیل قائلین به عدم جواز بیع غیر روغن از متنجسات
۳. جواب شیخ انصاری از سه دلیل قائلین به عدم جواز بیع غیرروغن از متنجسات

متن درس:

و مما تقدّم في مسألة جلد الميتة: من أنّ الظاهر من كلمات جماعة من القدماء والمتأخرين - كالشيخ في الخلاف^۱ و ابن زهرة^۲ و العلامة^۳ و ولده^۴ و الفاضل المقداد و المحقق الثاني^۵ و غيرهم - دوران المنع عن بيع النجس مدار جواز الانتفاع به و عدمه، إلّا ما خرج بالنصّ - كأليات المية^۶ مثلاً - او مطلق نجس العين، على ماسياتى من الكلام فيه، و هذا هو الذى يقتضيه استصحاب الحكم قبل التنجّس و هى القاعدة المستفادة من قوله (عليه السلام) - فى رواية تحف العقول -: «انّ كلّ شيء يكون لهم فيه الصلاح من جهة من الجهات، فذلك كلّّه حلال»^۷.

و ماتقدّم من رواية دعائم الاسلام من حلّ بيع كلّ ما يباح الانتفاع به.

و اما قوله تعالى: «فاجتنبوه»^۸ و قوله تعالى: «و الرجز فاهجر»^۹ فقد عرفت أنّهما لا يدلّان على حرمة الانتفاع بالمتنجّس، فضلاً عن حرمة البيع على تقدير جواز الانتفاع.

و من ذلك يظهر عدم صحّة الاستدلال فى ما نحن فيه بالنهى - فى رواية تحف العقول - عن بيع «شيء من وجوه النجس» بعد ملاحظة تعليل المنع فيها بحرمة الانتفاع.

و يمكن حمل كلام من اطلق المنع عن بيع النجس إلّا الدهن لفائدة الاستصباح على ارادة المايعات النجسة التى لا ينتفع بها فى غير الأكل و الشرب منفعة محللة مقصودة من امثالها.

و يويّده: تعليل استثناء الدهن لفائدة^{۱۰} الاستصباح، نظير استثناء بول الابل للاستشفاء، و ان احتمل ان يكون ذكر الاستصباح لبيان مايشرط ان يكون غاية للبيع.

دلایل جواز بيع ساير متنجسات غير از دهن

چهارمین استثناء از موارد استثناء از حرمت معامله اعيان نجس و متنجس، معامله روغن متنجس می باشد که در آن چهار مسئله مورد بررسی قرار گرفت و در مسأله چهارم هم مباحث مختلفی مطرح شد از جمله:

۱. آیا استفاده از روغن متنجس در غیراستصباح جایز است یا خیر؟ که شیخ انصاری قائل به جواز شد.

^۱ الخلاف ج ۳ ص ۱۸۷، کتاب البيوع، مسألة ۳۱۲

^۲ الجوامع الفقهية ص ۵۲۴

^۳ التذكرة ج ۱ ص ۴۶۵

^۴ ايضاح الفوائد ج ۱ ص ۴۰۱

^۵ التنقيح ج ۲ ص ۵

^۶ وسایل الشيعه ج ۱۶ ص ۲۹۶، باب ۳۰ از ابواب ذبائح، حديث ۵

^۷ تحف العقول ص ۳۳۳

^۸ مائده / ۸۹

^۹ مدثر / ۵

^{۱۰} و در بعضی نسخه ها «بقائده» می باشد.

۲. فروش روغن متنجس برای سایر منافع چه حکمی دارد؟ که شیخ انصاری قائل به جواز شدند.

اما بحث سومی که در اینجا مطرح می‌باشد آن است که: بیع سایر متنجسات غیر از روغن مانند رنگ و گل متنجس جایز می‌باشد یا خیر؟ شیخ انصاری فرمودند:

مسأله مشکلی است و هر دو طرف مسأله، ادله و قائلینی دارد که باید به بررسی آنها پرداخت.

اولین^۱ دلیل قائلین به عدم جواز بیع غیرروغن از متنجسات آن بود که ظاهر کلام مشهور، انحصار جواز بیع متنجس در روغن می‌باشد. که توضیح آن در جلسه قبل گذشت، در این جلسه ادله هر یک از دو طرف پرداخته می‌شود.

قائلین به جواز بیع غیرروغن از متنجسات، به سه دلیل تمسک کرده‌اند که عبارت است از:

دلیل اول: در موارد مختلفی از کلمات فقهاء یک قانون و کبرای کلی به دست می‌آید مبنی بر آنکه: جواز یا عدم جواز بیع نجس و متنجس دائر مدار جواز انتفاع و عدم انتفاع است، (هر جا که انتفاع از متنجس جایز است بیع متنجس نیز جایز است و هر جا که انتفاع از متنجس جایز نیست بیع متنجس هم جایز نیست). مگر مواردی که به دلیل نصّ خاصّ خارج شده است مانند دمبه میّت و از آنجا که ما نحن فیه از آن موارد خاصّ نیست لذا مطابق معیار و ملاکی که بیان شد باید معامله متنجساتی که دارای منفعت حلال می‌باشند جایز باشد.

دلیل دوم: استصحاب جواز بیع: به این صورت که متنجس قبل از تنجس، بیعش جایز بود، بعد از تنجس شک در بقاء جواز بیع داریم، استصحاب جواز بیع می‌کنیم.^۲

دلیل سوم: از روایت تحف العقول و روایت دعائم الاسلام استفاده می‌شود که هر چیزی که دارای منفعت مباح باشد بیعش نیز جایز است.^۳

شرح و تطبیق:

و ممّا تقدّم فی مسألة جلد المیّته: من أنّ الظاهر من کلمات جماعة من القدماء والمتأخّرين - کالشیخ فی الخلاف و ابن زهرة و العلّامة و ولده و الفاضل المقداد و المحقّق الثانی و غیرهم - دوران المنع عن بیع النجس مدار جواز الانتفاع به و عدمه، إلّا ما خرج - بالنصّ کألیات المیة مثلاً - او مطلق نجس العین، علی ماسیأتی من الکلام فیه

^۱ بیشتر بدانیم: سایر ادله قائلین به عدم جواز بیع غیرروغن از متنجسات بزودی می‌آید.

^۲ بیشتر بدانیم: مرحوم آقای خوئی در رابطه با جریان استصحاب می‌فرمایند: اذا سلّمنا جریان الاستصحاب فی الاحکام الکلیّة الالهیة، و اغمضنا عن معارضته دائماً بأصالة عدم الجعل كما نقضناه فی الاصول (الموسوعة الامام الخوئی ص ۴۸) فلا نسلم جریانه فی المقام، لأنّ محل الکلام هو الجواز الوضعی، بمعنى نفوذ البیع علی تقدیر وجوده و علیه فاستصحاب الجواز بعد التنجس یكون من الاستصحاب التعلیقی الذی لا نقول به. (الموسوعة الامام الخوئی ج ۳۵ ص ۲۱۴)

^۳ بیشتر بدانیم: مرحوم خوئی در این رابطه می‌فرمایند:... یصح بیعه (المتنجس) للعمومات المقتضیة لذلك من قوله تعالی: « او فوا بالعقود » (مائده ۱) و « احلّ الله البیع » (بقره ۲۷۵) و « تجارة عن تراض » (نساء ۲۹) و علیه فلانحتاج فی ذلك الی التمسک بقوله (ع) فی رواية تحف العقول... كما تمسک به المصنّف هنا. (الموسوعة الامام الخوئی ج ۳۵ ص ۲۱۴)

و از جمله دلیل قائلین به جواز بیع روغن از متنجسات عبارت است از: آنچه در مسأله پوست مردار گذشت که ظاهر از کلمات گروهی از قدماء و متأخرین - مانند شیخ طوسی در خلاف و ابن زهره و علامه و فرزندش و فاضل مقداد و محقق ثانی و غیر آنها - این است که: ممنوعیت بیع نجس دائر مدار جواز و عدم جواز انتفاع می باشد مگر مواردی که با نص خارج شده است - مانند دنبه های مردار مثلاً - یا همه اعیان نجسه بنابر آنچه که درباره آنها خواهد آمد (که انتفاع از اعیان نجس حتی با داشتن منفعت حلال، حرام می باشد).

و هذا^۱ هو الذی یقتضیه استصحاب الحکم قبل التنجس و هی^۲ القاعدة المستفادة من قوله (عليه السلام) - فی رواية تحف العقول - «انَّ کلَّ شیء یكون لهم فيه الصلاح من جهة من الجهات، فذلک کله حلال». و ماتقدم من رواية دعائم الاسلام من حلَّ بیع کلِّ ما یباح الانتفاع به.

و این (جواز بیع) همان چیزی است که استصحاب حکم قبل از تنجس آن را اقتضاء می کند، و این (جواز بیع) قاعده ای است که از سخن معصوم (ع) در روایت تحف العقول استفاده می شود که فرمود: «همانا هر چیزی که برای مردم در جهتی از جهات صلاح وجود داشته باشد، پس حلال است» (و همچنین جواز بیع استفاده می شود از) آنچه از روایت دعائم الاسلام گذشت که هر آن چیزی که انتفاع از او جایز است، بیع آن حلال می باشد.

SCO1: ۱۳:۲۶

نقد دلایل عدم جواز بیع سایر متنجسات غیر از دهن

چنانکه گفته شد هر یک از قائلین به جواز یا عدم جواز بیع غیر روغن از متنجسات، به ادله ای استناد کرده اند که شیخ انصاری یک دلیل قائلین به عدم جواز و سه دلیل قائلین به جواز را مطرح نمودند. در ادامه شیخ انصاری سه دلیل دیگر قائلین به عدم جواز بیع غیر روغن از متنجسات را بیان می کنند و از آنجا که شیخ انصاری خود قائل به جواز می باشد و ادله مخالفین مانع برای قول به جواز می باشد، از این چهار دلیلی که قائلین به عدم جواز مطرح کرده اند، جواب می دهند.

الف) نقد دلایل دوم، سوم و چهارم

دلیل دوم: قائلین به عدم جواز بیع غیر روغن از متنجسات این آیه می باشد: «انما الخمر و المیسر و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه»

کیفیت استدلال: امر «فاجتنبوه» مطلق است پس باید از هر گونه انتفاع از متنجسات از جمله انتفاع بوسیله بیع آنها، دوری کرد.^۳

^۱ بیشتر بدانیم: یعنی جواز البیع (هدایة الطالب ج ۱ ص ۱۲۵)

^۲ بیشتر بدانیم: مرجع ضمیر «هی» «جواز بیع» می باشد و علت تأیید آن به اعتبار مؤنث بودن خبر «القاعدة» می باشد، چرا که هرگاه خبر مؤنث و مرجع ضمیر مذکر باشد می توان به اعتبار مرجع، ضمیر را مذکر و به اعتبار خبر، ضمیر را مؤنث آورد (در محضر شیخ انصاری - آیت الله پایانی ج ۱ ص ۱۶۵)

^۳ بیشتر بدانیم: ممکن است گفته شود آوردن این آیات از طرف شیخ انصاری اشتباه است زیرا ایشان به این آیات برای حرمت انتفاع از متنجس استناد کرد، و اینجا بحث از حکم بیع متنجس است لذا نمی توان از این آیات حرمت انتفاع از متنجس استفاده کرد.

دلیل سوم: قائلین به عدم جواز بیع غیر روغن از متنجسات این آیه می‌باشد: «والرجز فاهجر»

کیفیت استدلال: وجوب دوری از رجز و پلیدی که یک مصداق آن متنجسات است، مطلق است، پس باید از هرگونه انتفاع از متنجسات از جمله انتفاع بوسیله آنها، دوری کرد.

جواب شیخ انصاری به دلیل دوم و سوم: این آیات در رابطه با اعیان نجس می‌باشد و شامل متنجس نمی‌شود لذا دلالتی بر حرمت انتفاع از متنجس ندارد تا چه برسد به آنکه دلالت بر حرمت بیع متنجس نماید، زیرا حرمت و جواز بیع متفرع بر جواز انتفاع از متنجس می‌باشد و این آیات دلالتی بر جواز انتفاع از متنجس ندارد تا به دنبال آن بحث از حرمت یا جواز بیع متنجس مطرح گردد.

اما دلیل چهارم: قائلین به عدم جواز بیع غیر روغن از متنجسات، قسمتی از روایت تحف‌العقول است که می‌فرماید: «شیء من وجوه النجس» یعنی: معامله چیزی که از وجوه نجس باشد جایز نیست و متنجسات هم مصداقی از این روایت می‌باشند.

جواب شیخ انصاری به دلیل چهارم:

اولاً: از جواب بر دلیل دوم و سوم جواب از دلیل چهارم روشن می‌شود یعنی روایت در رابطه با اعیان نجس می‌باشد لذا شامل متنجسات نمی‌شود.

ثانیاً: در ادامه روایت تحف‌العقول تعلیلی آمده بود که: «او شیء من وجوه النجس فهذا كله حرام و محرم لأن ذلك كله منهى عن أكله و شربه و لبسه و ملكه و امساكه و الثقلب فيه...» یعنی «چون انتفاعات حلال ندارند معامله آنها حرام می‌باشد» ولی ما نحن فيه اینگونه نیست زیرا متنجسات دارای منافع حلال می‌باشند، لذا روایت شامل آنها نمی‌شود.

شرح و تطبیق:

و اما قوله تعالى: «فاجتنبوه» و قوله تعالى: «والرجز فاهجر» فقد عرفت أنّهما لا يدلّان على حرمة الانتفاع بالمتنجس، فضلاً عن حرمة البيع على تقدير جواز الانتفاع.

و من ذلك يظهر عدم صحة الاستدلال في ما نحن فيه بالنهي - في رواية تحف العقول - عن بيع «شيء من وجوه النجس» بعد^۱ ملاحظة تعليل المنع فيها بحرمة الانتفاع.

و اما آیه «از پلیدی اجتناب کنید» و آیه «از پلیدی دوری کن» پس قبلاً شناختی که دلالت بر حرمت انتفاع و استفاده از متنجس نمی‌کنند، تا چه رسد که دلالت بر حرمت بیع در فرض جواز انتفاع بکنند.

در جواب از این اشکال باید گفت: شیخ انصاری این آیات را بیان کرده تا بگوید نمی‌توان به این آیات برای بطلان بیع متنجس استناد کرد و شاهد بر این مطلب هم آن است که در جواب مستدلین به این آیات می‌فرماید: این آیات دلالت بر حرمت انتفاع از متنجس ندارد تا چه رسد که دلالت بر حرمت بیع متنجس نماید (الموسوعة الامام الخوئي ج ۳۵ ص ۲۱۵)

^۱ بیشتر بدانیم: مرحوم شهیدی فرموده‌اند: الاوّلی تبدیل کلمه «بعد» الى قوله «مضافاً الى ملاحظة» كما لا يخفى وجهه (هداية الطالب ج ۱ ص ۱۲۵) زیرا تعلیلی که در روایت تحف‌العقول آمده (منافع آنها حرام است) شامل متنجس در مورد محل بحث ما که دارای منافع حلال می‌باشد، نمی‌شود.

و از همین جا روشن می‌شود که صحیح نیست در محل بحث به نهی از بیع هر گونه نجس که در روایت تحف‌العقول آمده استدلال شود (چرا که روایت شامل متنجس نمی‌شود) بعد از ملاحظه تعلیل منع در روایت به حرمت انتفاع (یعنی در روایت عله حرمت بیع، نداشتن منفعت حلال بیان شده و حال آنکه در محل بحث برای متنجس، فائده حلال تصور شده است).

SCO۲: ۱۹:۴۲

ب) نقد دلیل اول عدم جواز بیع سایر متنجسات

دلیل اولی که قائلین به عدم جواز بیع غیرروغن از متنجسات به آن استناد کردند، عبارت بود از اینکه ظهور استثناء در کلام مشهور حاکی از منحصر بودن جواز در روغن متنجس است اما سایر متنجسات بر عدم جواز باقی می‌باشند.

شیخ انصاری در مقام جواب از این دلیل، به توجیه کلام مشهور پرداخته و می‌فرمایند:

مراد مشهور که قائل به عدم جواز بیع متنجسات می‌باشند، این نیست که بیع هیچ متنجسی جایز نیست بلکه مرادشان عدم جواز بیع مایعات متنجسه‌ای است که هیچ منفعت حلالی ندارند، و تنها فائده آنها اکل و شرب بوده که آن هم تحریم شده است.

طبق این توجیه بین کلام مشهور و کلام قائلین به جواز غیرروغن از متنجسات، تنافی وجود نخواهد داشت زیرا قائلین به جواز هم قبول دارند بیع مایعات نجسه‌ای که دارای منفعت حلال نیستند، جایز نمی‌باشد و در غیر آنها قائل به جواز بیع می‌باشند.

شیخ انصاری در تأیید^۱ این توجیه می‌فرمایند: در رابطه با عبارت «لَفَائِدَةُ الْاِسْتِصْبَاحِ» در کلام مشهور که فرموده‌اند: «لَا يَجُوزُ بَيْعُ الْمُتَنَجِّسِ إِلَّا الدَّهْنُ لِفَائِدَةِ الْاِسْتِصْبَاحِ» دو احتمال وجود دارد:

۱. قید (و غایت) برای بیع باشد، یعنی: بیع متنجس جایز نیست مگر بیع روغن متنجس آن هم فقط برای استصباح.
۲. علت جواز بیع باشد، یعنی: بیع متنجس جایز نیست مگر بیع روغن متنجس به جهت آنکه روغن متنجس دارای منفعت می‌باشد.

که مطابق احتمال اول، تنها بیع روغن متنجس برای استصباح جایز است، اما بیع سایر متنجس‌ها و یا بیع دهن برای غیراستصباح جایز نخواهد بود.

اما مطابق احتمال دوم، از آنجا که ملاک جواز بیع را، داشتن منفعت حلال بیان کرده لذا شامل هر متنجسی که دارای فائده حلال باشد می‌شود و تنها بیع متنجسی که دارای فائده حلال نیست جایز نمی‌باشد.

همانطور که در «لَا يَجُوزُ بَيْعُ الْأَبْوَالِ إِلَّا بِوَالِ الْأَبْلِ لِلْاِسْتِشْفَاءِ» «لام» تعلیل است لذا شامل هر بول دیگری که دارای منفعت حلال باشد می‌شود.

حال بنابر احتمال دوم از کلام مشهور، توجیهی که برای کلام مشهور ذکر شد تأیید می‌شود.

^۱ بیشتر بدانیم: از آنجا که در کلام مشهور دو احتمال داده می‌شود و تنها بنابر یک احتمال نظر شیخ انصاری ثابت می‌شود، لذا تعبیر به «تأیید» کرد و به عنوان «دلیل» مطرح نکرد.

شرح و تطبیق:

و يمكن حمل كلام من اطلق المنع عن بيع النجس اّلا الدهن فائدة الاستصباح على ارادة المایعات النجسة التي لا ينتفع بها في غير الأكل و الشرب منفعة محللة مقصودة من امثالها.

و یویدہ: تعلیل استثناء الدهن لفائدة الاستصباح، نظیر استثناء بول الابل للاستشفاء، و ان احتمال ان يكون ذكر الاستصباح لبيان مايشترط ان يكون غاية للبيع.

و ممکن است کلام کسی که (مشهور) به صورت مطلق بیع نجس را منع می‌کند مگر در مورد روغن برای استصباح، حمل شود بر اراده مایعات نجسی که فائده دیگری غیر از اکل و شرب (که آن هم تحریم شده) فائده‌های حلال و مقصود که از امثال مایعات بدست می‌آید، ندارند.

این توجیه را تعلیلی که برای استثناء روغن آمده و گفته: « به جهت منفعت استصباح » تأیید می‌کند، همانطور که استثناء بول شتر علت آورده شده به شفاء بخش بودن (لذا شامل هر بول دیگری که شفابخش باشد می‌گردد)، و اگر چه احتمال داده می‌شود آوردن «استصباح» برای بیان آن چیزی است که شرط شده غایت برای بیع باشد. (یعنی غایت برای جواز بیع باشد نه علت برای جواز بیع)

SC03: ۳۱:۴۶

چکیده:

۱. دلایل قائلین به جواز بیع غیر روغن از متنجسات:

الف) کبرای کلی است که جواز بیع دائر مدار جواز انتفاع است و چون متنجسات دارای منافع حلال می‌باشند لذا بیع آنها هم جایز می‌باشد.

ب) استصحاب جواز بیع یعنی جواز بیع متنجس قبل از تنجس را استصحاب می‌کنیم.

ج) روایت تحف‌العقول و دعائم‌الاسلام که از آنها استفاده می‌شود هر چیزی که دارای منفعت حلال باشد بیعش هم جایز است.

۲. دلایل قائلین به عدم جواز بیع غیر روغن از متنجسات:

الف) ظهور کلام مشهور در انحصار جواز بیع متنجس در روغن دارد.

ب) آیه «انما الخمر و المیسر و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه» می‌باشد چرا که آیه امر به اجتناب و دوری هرگونه انتفاع از متنجس، از جمله انتفاع بوسیله بیع می‌کند.

ج) آیه «والرجز فاهجر» می‌باشد که امر به دوری از پلیدی که یک مصداق آن متنجسات است می‌کند.

د) قسمتی از روایت تحف‌العقول که از معامله چیزی که از وجوه نجس باشد نهی می‌کند و یک مصداق آن متنجسات می‌باشند.

۳. جواب شیخ انصاری از دلیل دوم و سوم و چهارم قائلین به عدم جواز بیع غیرروغن از متنجسات: آیات در رابطه با اعیان نجس است و شامل متنجس نمی‌شوند.

۴. توجیه شیخ انصاری نسبت به دلیل اول قائلین به عدم جواز بیع غیرروغن از متنجسات به این صورت که: مراد آنها بیع متنجساتی است که دارای منفعت حلال نمی‌باشند لذا با قول به جواز بیع غیرروغن از متنجسات تنافی نخواهد داشت چرا که آنها نیز در این صورت قائل به عدم جواز بیع می‌باشند.